



طرف تیره تاریخ
خاطرات زندان

شماره



بسمه تعالی

نسبت پاسخ دهنده نامه با زندانی: رحمت

تاریخ ۲۳/۲/۶۶

هر روز در این زندان عزیزم! ایستادم که دیدم
نزدک ای که ترا از میان کشد. بدبوخته آن مردمان عزیزم!

رژیم شاهنشاهی ایران

رژیم شاهنشاهی ایران در جستجوی ماریه نوری

ماریه نوری

و منقلا از دیپلماتی امنیتی و پس درم پیخواهد خورشیدی
با تمام وجود
بنااماد و صبور
بنااماد و صبور
بنااماد و صبور



در جست‌وجوی رهایی
مریم نوری

نشر باران، سوئد

چاپ اول: ۲۰۰۵ (۱۳۸۴)

شابک: ۹۱-۸۸۲۹۷-۹۹-۳

طرح جلد: امیر صورتگر با استفاده از مجسمه‌ای از سودابه اردون

ISBN: 91-88297-99-3

Baran

Box 4048, 163 04 SPÅNGA, SWEDEN

info@baran.st

Tel: + 46-(0)8-88 54 74, Fax: + 46-(0)8-464 83 92

© Baran 2005

تمامی حقوق برای نشر باران محفوظ است.

نقل تمامی یا بخش‌هایی از این کتاب جهت چاپ مجدد، استفاده در رادیوها،

گرفتن میکروفیلم و برگردان منوط به اجازه‌ی کتبی ناشر است.

نقل قول از کتاب جهت نقد و بررسی از این قاعده مستثنا است.

آیدین نه تنها کوچکترین اعتنایی به من نمی‌کرد، بلکه با تمام قوا به مادرم چسبیده بود. سوار ماشین شدیم و به در اوین رسیدیم. ساک و وسایل را گرفتم و به آنسو انتقال دادم.

آیدین به آغوش من نمی‌آمد. هرچه با او حرف می‌زدم توجه نمی‌کرد. او فقط يك كودك ۱۰ ماهه بود. چادر سیاه من، او را بیشتر از من دور می‌کرد. شاید بیش از نیم ساعت سعی خود را کردم که تحویل گرفتن او با آرامش انجام شود، ولی بالاخره مجبور شدم که او را به زور از بغل مادرم بیرون بکنم. آیدین، با تمامی قدرتش به لباس مادرم چسبیده بود. هر بار که او را می‌کشیدم، فریاد می‌زد و به گریه می‌افتاد. من سعی می‌کردم با کلمات مهربان و شکلک و ادا او را جذب کنم. نمی‌شد. بغض گلویم را گرفته بود. مادرم گریه می‌کرد و می‌گفت: «بچه از غصه دق می‌کنه...» من سعی می‌کردم انگشتان کوچکش را از لباس مادرم جدا کنم. گمگاه آیدین نگاهی به من می‌کرد و دوباره گریه را سر می‌داد و به مادرم می‌چسبید. بالاخره او را محکم کشیدم و از مادرم جدایش کردم. او مرا با دست‌های عروسکی‌اش پس می‌زد. قدرت و انگیزه‌ی او برای رفتن به سوی مادرم بیش از توان من برای نگهداشتن او در زندان بود. بالاخره زور حاکم شد! چشمپند مرا بر چشم‌هایم زدند. آیدین به من نگاه می‌کرد و جیغ می‌کشید. به گریه افتاده بودم.

dar jostojuy-e rahayi

Maryam Noori



Baran Publication
www.baran.st

ممنونم از شما
خانم
۴۰۰
۶
۷
۸
۹
۱۰
۱۱
۱۲
۱۳
۱۴
۱۵
۱۶
۱۷
۱۸
۱۹
۲۰
۲۱
۲۲
۲۳
۲۴
۲۵
۲۶
۲۷
۲۸
۲۹
۳۰
۳۱
۳۲
۳۳
۳۴
۳۵
۳۶
۳۷
۳۸
۳۹
۴۰
۴۱
۴۲
۴۳
۴۴
۴۵
۴۶
۴۷
۴۸
۴۹
۵۰
۵۱
۵۲
۵۳
۵۴
۵۵
۵۶
۵۷
۵۸
۵۹
۶۰
۶۱
۶۲
۶۳
۶۴
۶۵
۶۶
۶۷
۶۸
۶۹
۷۰
۷۱
۷۲
۷۳
۷۴
۷۵
۷۶
۷۷
۷۸
۷۹
۸۰
۸۱
۸۲
۸۳
۸۴
۸۵
۸۶
۸۷
۸۸
۸۹
۹۰
۹۱
۹۲
۹۳
۹۴
۹۵
۹۶
۹۷
۹۸
۹۹
۱۰۰